

فرهنگ عکاسی

اسماعیل عباسی

سروش

تهران ۱۳۹۴

شماره ترتیب انتشار: ۷۹۸/۷

یادداشت مؤلف

فرهنگ حاضر به قصد یاری رساندن به مؤلفان، مترجمان، دانشجویان و علاقه‌مندان به عکاسی تهیه شده است. رشد عکاسی در دو دهه اخیر در کشورمان نیاز به فرهنگ عکاسی را به صورت امری جدی مطرح ساخته است. ده سال پیش که دست به تدوین چنین کتابی زدم بیشتر تمایل داشتم که دایرةالمعارفی جامع تهیه شود اما آماده ساختن کتابی کاملتر از کتاب فعلی به افراد متخصص و سرمایه‌گذاری سنگینتر نیاز دارد. من دست تنها آغاز به کار کردم و حاصل چندین سال کار همین است که می‌بینید. امیدوارم این کتاب پله نخستین در تدوین یک فرهنگ جامع عکاسی تلقی شود و متخصصان و علاقه‌مندان به یاری آن گام بزرگ بعدی را بردارند.

کار یک تنه، با وجود مشکلات و دشواریها، طبعاً عاری از لغزش نیست به ویژه تدوین فرهنگ. استادان گرانقدر آقایان پرویز مرزبان و حبیب معروف چه بجا نوشته‌ای از دکتر ساموئل جانسون را در ابتدای کتابشان واژه‌نامه مصور هنرهای تجسمی آورده‌اند که شایسته است در ابتدای تمامی کتابهای فرهنگ چاپ شود. نوشته چنین است:

«آنجا که هر نویسنده آرزوی بلند آوازی در سر می‌پروراند، فرهنگ نویس امید می‌جز این

نمی‌تواند داشته باشد که از آفت مذمت بر کنار بماند؛ و حتی همین پاداش منفی نیز نصیب

کمتر فرهنگ نویسی شده است.»

نکاتی در مورد چگونگی تدوین این فرهنگ:

۱. اهل فن می‌دانند که میان فرهنگ و دایرةالمعارف تفاوتی وجود دارد و من در پاره‌ای موارد پا را فراتر از تدوین فرهنگ برداشته و برای ارائه اطلاعات بیشتر در مواردی آن را به دایرةالمعارف نزدیک کرده‌ام.

۲. انتخاب مدخلها اساساً از روی دایرةالمعارف عکاسی فوکل *The Focal Encyc-*

lopedia of Photography، چاپ ۱۹۸۲ انجام گرفته است، سپس با مراجعه به فرهنگهای *Dictionary of Contemporary Photography; A Dictionary of Photographic Terms; The Focal Encyclopedia of Film & Television; The Pictorial Cyc-*

lopedia of Photography مدخلهای دیگری گزینش و افزوده شده است.

۳. مدخلها به ترتیب الفبای فارسی مرتب شده‌اند اما با آگاهی از این نکته که برابر نهادهای فارسی گاه ممکن است برای مراجعه کننده آشنا نباشد، فهرستی از واژگان انگلیسی به آخر کتاب افزوده شده است و خواننده اگر معادل فارسی واژه‌ای را نداند، می‌تواند با مراجعه به واژه‌نامه آخر کتاب و یافتن واژه انگلیسی از معادل پذیرفته شده فارسی آگاهی یابد. اما چون ممکن است مراجعه کننده، واژه انگلیسی را نداند، تمامی معادل‌های فارسی را که در متون فارسی بدانها اشاره شده تماماً در فرهنگ وارد کرده‌ام و خواننده را از طریق آنها به واژه پذیرفته شده ارجاع داده‌ام.
۴. معادل بیگانه واژه‌ها را در آخر توضیحات مربوط به هر مدخل با شماره ذکر کرده‌ام.
۵. در شروع توضیحات هر واژه و مدخل، برابر نهادهای دیگر فارسی را در داخل متن آورده‌ام.
۶. عناوین رایج را به عنوان غیر رایج ترجیح داده‌ام، مثل شاتر به جای بستاور یا...
۷. ضبط واژه‌های غیر فارسی بر اساس انگلیسی بریتانیایی و نه انگلیسی امریکایی انجام گرفته است. مثلاً: colour به جای color.

۸. در مواردی که دو مدخل از نظر شکل یکی و از نظر معنا کاملاً با هم غریبه بودند، مدخل دوبرابر ذکر شده است مثلاً: چشمی و چشمی. در چنین مواردی از خوانندگان تقاضا دارم که بدین نکته توجه کنند و مدخل بعدی را هم ملاحظه کنند.

۹. در آخر توضیحات هر واژه گاه خواننده را برای کسب اطلاعات بیشتر به مدخلهای دیگر ارجاع داده‌ام که با کلمه نیز و علامت ← مشخص هستند.

۱۰. رسم خط کتاب، رسم خط انتشارات سروش است هر چند شخصاً در پاره‌ای موارد آنها را با نظر خودم یکی نمی‌دانم.

۱۱. در مورد ضبط اسامی مواد شیمیایی نیز همین طور نظر ویراستار انتشارات سروش را اعمال کرده‌ام، مثلاً: کلسیوم و سدیم به جای کلسیم و سدیم.

۱۲. در برخی از مدخلها دو عبارت با نشانه ویرگول از هم جدا شده‌اند مثل: آب ناپذیر، کاغذ. مراد آن است که بخش دوم را خواننده پیش از بخش اول تلقی کند. در این مورد کاغذ آب ناپذیر مورد نظر بوده اما چون احتمال داشت که خواننده در ابتدا به آب ناپذیر مراجعه کند، با این شیوه او را به مدخل اصلی ارجاع داده‌ام.

۱۳. اسامی شیمیایی را که در گذشته به نوع دیگری ضبط می‌کردند، تماماً در مدخلها آورده‌ام و آنها را به ضبط جدید ارجاع داده‌ام، مثل برومور ← برومید.

۱۴. به طوری که در بند ۳ اشاره شد، واژه‌هایی را که دارای چندین معادل هستند تماماً در مدخلها آورده و خواننده را به مدخل اصلی ارجاع داده‌ام. مثل ایتور اتور، در ریچه نورگیر، بستاور، پلک، دهانه دوربین، در ریچه، در ریچه نور و مسدودکننده که همه را به شاتر، که از نظر من در بین عکاسان پذیرفته‌تر است، ارجاع داده‌ام.

سرانجام، کتاب پا به مرحله چاپ می‌گذارد، عمدتاً به همت و لطف آقای مهدی تفنگساز،

ویراستار انتشارات سروش. فرهنگ حاضر را آقای بهمن جلالی از جنبه نکات فنی عکاسی مطالعه کردند و نظرهای مفیدی ارائه دادند. آقای مهدی تفنگساز ویرایش کتاب را از جنبه نگارش و نسخه‌برداری برعهده داشتند. علاوه بر این ایشان در تمامی مراحل کار یار مددکار بودند. صفحه‌آرای کتاب، خانم ملیحه حجتی، حرفچین، خانم فرشته حسین پور و نمونه‌خوان، خانم مهناز خسروی بوده‌اند. وظیفه می‌دانم که از همگی سپاسگزاری کنم.

بیشتر بخشهای کتاب را در شبهای تلخ بمبارانها و موشك بارانهای دوران جنگ تحمیلی نوشته‌ام، از این رومیل دارم یادی از جانبازیها و فداکاریهای هموطنانم بکنم. یاد تمامی آنهایی که در این راه از جان گذشتند، گرامی باد.

کتابهای مورد استفاده در تألیف فرهنگ عکاسی:

الف) فارسی

آپتن، باربارا (و) جان. کار با دوربین عکاسی (۲ جلد). ترجمه اسماعیل عباسی. تهران، بازتاب، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳.

امینی، سیدمحمد. واژگان فیزیک. مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۱.

جلالی، بهمن و... عکاسی سیاه و سفید: راهنمای ظهور فیلم و چاپ عکس. تهران، انتشارات زمینه، ۱۳۶۰.

دوائی، پرویز. فرهنگ واژه‌های سینمایی. تهران، اداره کل تحقیقات و روابط سینمایی وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.

عریضی، مرتضی. روش نوین عکاسی. تهران، کتابهای سیمرخ، ۱۳۵۳.

فرزان، مهدی. فن عکاسی. تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۷.

گل‌گلاب، داریوش. بررسی فنی عکاسی (جلد اول). تهران، [بی‌نا]، ۱۳۶۰.

گل‌گلاب، داریوش. عکاسی رنگی: بررسی فن عکاسی، جلد دوم، تهران [بی‌نا] ۱۳۶۱.

لاموره، ژان. صافیها: در عکاسی سیاه و سفید و رنگی. ترجمه پیروز سیار، تهران، سروش، ۱۳۶۴.

لورل، لوسین. عکاسی به زبان ساده برای همه: تکنیک عکاسی. ترجمه محمدامین کاردان، تهران کتابخانه گوتنبرگ، ۱۳۳۴.

مانته، هارالد. ترکیب بندی در عکاسی. ترجمه پیروز سیار، تهران، سروش، ۱۳۶۵.

مرزبان، پرویز و حبیب معروف. واژه‌نامه هنرهای تجسمی. تهران، سروش، ۱۳۶۵.

مصاحب، غلامحسین (به سرپرستی). دایرةالمعارف فارسی (۲ جلد). تهران، مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵، ۱۳۵۷.

میرزابگیان، ژ.م. فرهنگ پلیتکنیک روسی به فارسی. اداره نشریات، مسکو، ۱۹۸۴.

نوری، مینا. آموزش عملی سیلک اسکرین. تهران، [بی‌نا]، ۱۳۶۰.